

۲

تفسیر قرآن



علی رضایی بیرجندی

تلاشی نور تدوین مبانی قواعد، منابع وروشهائی

الف) اعجاز قرآن و ابعاد آن

قرآن معجزه جاویدان پیامبر اسلام ﷺ و سند زنده و برهان اثبات رسالت و حقایق ارتباط او با خداست.

قرآن تنها معجزه ماندگار و حاضر در زمان ماست که گواه همیشه صادق و راهنمای انسان‌ها می‌باشد. نه پیش از بعثت پیامبر ﷺ کسی اثری همانند قرآن آورده و نه بعد از بعثت کسی را یارای برابری با آن و آفرینش اثری همانند قرآن بوده است.

سرّ جاودانگی اعجاز قرآن این است که اسلام - برخلاف ادیان پیشین -

در بخش نخست این مقاله ضمن

بیان ضرورت و اهمیت موضوع، یادآور شدیم که کل مباحث را در پنج فصل تنظیم و ارائه می‌نماییم و در فصل اول از مبانی تفسیر قرآن که از اصول اساسی نظیر اعجاز قرآن و ابعاد آن، مصونیت قرآن از تحریف و امکان دست‌یابی به مراد خداوند و زبان قرآن که هر نوع جهت‌گیری در مورد آن‌ها موجودیت تفسیر و برداشت از قرآن راتحت تأثیر قرار می‌دهد، بحث خواهیم کرد. هم اکنون بحث را در فصل اول آغاز می‌نماییم. این فصل مشتمل بر سه قسمت است.

آئینی است همیشگی و به زمان یا مکان خاصی محدود نیست، معجزه آن نیز نباید محدود به زمان و مکان معینی باشد؛ چرا که محدود بودن معجزه سبب خواهد شد که نسل‌های آینده شاهد معجزه‌ای که گواه دین حق باشد نباشند. پیداست که تکلیف چنین افرادی به ایمان، تکلیف غیر منطقی و برخلاف حکمت الهی می‌باشد. بنابراین قرآن که خود استدلالی بر حقانیت و خدایی بودن خویش است، در عصر رشد و شکوفایی اندیشه بشری و نیز تا آخر زمان برای همه عصرها و نسل‌ها معجزه است و بر خلاف سایر معجزات که با رفتن آورنده‌شان از بین می‌رفت، او ماندگار و برهان جاودانگی آئین اسلام خواهد بود.

ویژگی‌های معجزه

آن گونه که از تعریف معجزه در اصطلاح کلام و تفسیر استفاده می‌شود، معجزه باید ویژگی‌های چهارگانه ذیل را واجد باشد:

۱- کار شگفت و خارق العاده‌ای باشد که به کلی از توانایی نوع بشر

خارج است و حتی بزرگترین نوابغ جهان از آوردن مثل آن عاجزند. در عین حال امری منافی با حکم عقل یا باطل کننده اصل علیت نیست، زیرا معجزه، محال عادی است - نه محال عقلی - و قدرت بدان تعلق می‌گیرد.

۲- همراه با ادعای پیامبری از سوی خدا بوده باشد و یا به تعبیر رساتر به عنوان سندی بر حقانیت مدعی رسالت باشد، در برابر سحر که معجزه‌نما و برهان دروغین کاذبان است.

۳- همراه با «تحدی» یعنی دعوت به معارضة و مقابله به مثل باشد.

۴- قابل تعلیم و تعلم نباشد و مغلوب عوامل دیگر نگردد.

قرآن کریم که زیباترین سخن و سخن زیباست و از ملکوت نشأت گرفته و ماوراء توان بشر است، حداقل در هفت آیه از سوره‌های مختلف اعم از سوره‌های مکی و مدنی، خود را به عنوان یک معجزه بزرگ الهی معرفی کرده و منکران را به شیوه‌های گوناگون مورد تحدی قرار داده و آنان را به مبارزه طلبیده است و به آنان اعلام

به همکاری و همفکری در مقابله به مثل می‌کند. سپس با قاطعیت می‌گوید: هرگز همانند آن رانمی‌آورند و همین مطلب را دلیل ارتباط و پیوند پیامبر با خدا و معجزه بودن قرآن معرفی می‌کند.

قابل توجه اینکه قرآن با تعبیر «مِثْلِهِ» در آیات تحدی، از تمام منکران می‌خواهد تا نظیر قرآن، متنی بسازند که از تمام جهات مثل قرآن بوده و خصوصیات آن را در همه عرصه‌ها چون عمق و ژرفایی محتوا، زیبایی و رسایی، جاذبه و تأثیر بخشی، غیب‌گویی، تشریح قوانین فطری، فراگیر و ماندگار و جز آن دارا باشد. تحدی محدود به شیرینی بیان و رسا بودن معنی نمی‌شود - گرچه تاکنون کسی از جهت فصاحت و بلاغت هم نتوانسته مانند قرآن بیاورد - و روشن است که هرگاه کسی خارق‌عادتگی انجام دهد و دیگران را به مبارزه طلبد و آن‌ها از آن عاجز بمانند، دلیل بر اعجاز است. از سوی دیگر، اگر آنان

می‌کند که اگر معتقدید این آیات زائیده فکر و اندیشه بشر است، شما هم بشر هستید، اندیشه دارید، در میان شما ادیبان و سخن‌سرایان چیره‌دستی وجود دارد، شما هم آیاتی همانند این آیات بیاورید. این آیات با انواع سخنان تحریک‌آمیز آنان را به مقابله و معارضه فرامی‌خواند.

در آیه ۸۸ سوره اسراء - که شاملترین آیه تحدی است -^۱ می‌فرماید: «قُلْ لِّئِنْ آخْتَمَعْتَ الْإِنْسَ وَالْجِنُّ عَلٰی اَنْ یَّاتُوا بِمِثْلِ هٰذَا الْقُرْآنِ لَا یَأْتُوْنَ بِمِثْلِهِ وَّلَوْ کَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِیرًا»؛ «بگو اگر همه انسان‌ها و پریان اجتماع کنند که همانند این قرآن بیاورند، نخواهند آورد؛ هر چند یکدیگر را در این کار پشتیبانی کنند.»

این آیه از یک سو از همه انسان‌ها دعوت عمومی به مبارزه کرده و از سوی دیگر - با توجه به جاودانگی دعوت قرآنی - انسان‌هایی را که در عصر ما و اعصار دیگر زندگی می‌کنند شامل می‌شود و از سوی سوم با تعبیر به «اگر همه اجتماع کنند و همدیگر را کمک و پشتیبانی کنند»، آنان را دعوت

۱- المیزان، ج ۱، ص ۵۹.

زمامداران و ثروتمندان ظالم، انگیزه‌های فراوانی برای مقابله داشتند و اگر واقعاً می‌توانستند پیامبر را از این طریق خلع سلاح کنند دیگر احتیاجی به آن همه نبردهای خونین و مبارزات طاقت فرسا نبود.

اینکه می‌بینیم عرب با اینکه به بلاغت و فصاحت شعری و خطابه‌ای خود می‌نازید، تن به همه چیز داد، اما به دنبال آوردن آیاتی نظیر قرآن نرفت و میان معارضه و مبارزه با اعجاز قرآن و جنگ با شمشیر، دومی را برگزید، بهترین دلیل بر شکست آنان در این مبارزه است. و سرانجام خدای سبحان با شمشیر مسلمین موانع فیزیکی - که دشمنان از روی عجز و نداشتن منطق صحیح ایجاد کرده بودند و در صدد محاصره و ریشه کن کردن بنیاد حق برآمده بودند - را فرو ریخت و با شمشیر اعجاز قرآن سدهای ایجاد شده از شبهات - که به گمان خود از آن نیز حصاری مستحکم برای مبارزه با حق به وجود آورده بودند - را نابود

می‌توانستند در چنین مبارزه‌ای پیروز شوند حتماً تمام قوای خود را متمرکز کرده و اقدامی می‌کردند، زیرا در زمان نزول قرآن شکست در این مبارزه، مساوی با از دست دادن سوابق فرهنگی و دین موروثی و ابهت خیالی و عزت قبیله‌ای آنان و همچنین منافع مادیشان بود. و امروز هم عجز افراد از مقابله با قرآن دلیل بر حجیت این کتاب الهی است.

قرآن با دعوت به توحید - در همه ابعاد آن - در صدر اسلام با شالوده فرهنگ کفر که فرهنگ حس‌گرایی و بت‌پرستی بود و در تمام ابعاد زندگی آنان نفوذ عمیق داشت، سر ناسازگاری داشت و تنها به اینجا ختم نمی‌شد، بلکه شیوخ و زمامداران و ثروتمندان ظالم و مغرور آنان را از اوج قدرت به زیر می‌کشید و تمام امتیازات موهوم جاهلی و ساختگی را از آنان می‌گرفت. و با شعار «مَعَكُمْ الْمَخِيَا مَعَكُمْ الْمَمَاتُ»^۱ مرگ با شما محرومان و زندگی با شما محرومان، نیازمندان متدین و خداجوی را بر صدر می‌نشانند و بنابراین با توجه به شواهد تاریخی،

۱- مجمع البیان، مجلد ۶-۵، ص ۷۱۸.

ساخت.

قیام کرده و ادعا می‌کند که رسول خداست، عقل ما را ناچیز می‌شمارد، به خدایان ما ناسزا می‌گوید، اجتماع ما را پراکنده و جوانان ما را فاسد نموده است.

اسعد در فکر فرو رفت و به خاطرش آمد که از یهودیان مدینه شنیده است که به همین زودی پیامبری در مکه ظهور خواهد کرد.

اسعد با خود گفت، نکند این همان کسی باشد که یهود از او خبر می‌دادند. او به قصد طواف به مسجد الحرام رفت. وی که با راهنمایی عتبه گوش‌های خود را پر از پنبه کرده بود تا سخنان پیامبر را نشنود، طواف را شروع کرد. در همان حال پیامبر ﷺ با جمعی از یارانش در کنار کعبه نشسته بودند. او نگاهی به پیامبر انداخت و به سرعت گذشت.

در دور دوم طواف با خود گفت: هیچ کس بی‌خردتر از من نیست، آیا می‌شود که یک چنین جریان مهمی در مکه بر سر زبان‌ها باشد و من از آن خبر نگیرم و طایفه خود را باخبر نسازم؟ پنبه‌ها را از گوش بیرون آورد و به دور

کشش‌ها و کوشش‌ها

با مراجعه به تاریخ صدر اسلام به حوادث شگفت‌انگیز و مستندی برخورد می‌کنیم که بیانگر کشش، جاذبه و نفوذ عظیم قرآن در روح و جان شنوندگان است و کوشش‌ها و تلاش‌های بی‌وقفه و طاقت‌فرسای آنان را در راه احیای پیام ملکوتی قرآن در پی دارد و این هر دو ما را به عظمت این کتاب مقدس و آسمانی و معجزه بودن آن واقف می‌کند.

اسعد ابن زراره از طایفه خزرج به مکه آمده بود تا از دوستان مکی خود بر ضد دشمنان سرسخت طایفه خود یعنی اوسیان کمک بگیرد.

به خانه «عتبه ابن ربیع» وارد شد و هدفش را از سفر به مکه برای او شرح داد. عتبه در پاسخ گفت: ما گرفتاری تازه‌ای پیدا کرده‌ایم که ما را سخت به خود مشغول داشته است؛ بنابراین توان یاری شما را نداریم.

اسعد پرسید: شما در حرم امن زندگی می‌کنید. چه مشکلی دارید؟
عتبه پاسخ داد: مردی در میان ما

جنبه‌های تازه‌ای نیز از اعجاز قرآن روشن می‌شود. اینک با اختصار به بیان برخی از آن ابعاد می‌پردازیم:

۱- فصاحت و بلاغت^۳

قرآن از نظر فصاحت و بلاغت یعنی زیبایی ظاهر، عمق باطن، متانت و عفت بیان، صراحت و قاطعیت، گستردگی مفاهیم و هماهنگی لفظ و معنی به گونه‌ای است که در قبل از آمدن اسلام و بعد از آن هیچ شعر یا خطبه و کلام عربی به پایه آن نرسیده است و بعد از گذشت ۱۴ قرن، با اینکه حروف که مواد سخن را تشکیل می‌دهند در اختیار همگان است و همه در کیفیت کاربرد و ابراز سخن و ساختن جمله آزادند، کسی نظیر آن را نیاورده و آنان که تصمیم به مبارزه گرفته‌اند از قبیل مسیلمه، عبهله، طلحه، سجاح، نضر ابن حارث، ابن مقفع، ابن راوندی، متنبی، و ابوالعلاء

افکند و روبروی پیامبر ﷺ ایستاد و پرسید، تو ما را به چه چیز دعوت می‌کنی؟ پیامبر ﷺ به آرامی فرمود: به شهادت بر یگانگی خدا و اینکه من فرستاده او هستم. آنگاه آیات ۱۵۱ تا ۱۵۳ سوره انعام را که - مجموعه‌ای از معارف عالی اسلام، مسائل اعتقادی و دستورات اجتماعی و راهنمایی‌های اخلاقی و معنوی است (مجموعاً ده دستور) - برای او تلاوت فرمود.

اسعد با شنیدن این آیات - که دوای درد بشریت در همه زمان‌ها و مکان‌هاست - به کلی منقلب شد، شهادتین بر زبان جاری نمود و سپس تقاضای مبلغی کرد که مردم مدینه را به اسلام دعوت نماید. پیامبر ﷺ «مُصعب بن عمیر» را به همراه او به مدینه فرستاد. آنان با قرآن مدینه را فتح کردند و از آن زمان پایه‌های اسلام در مدینه گذارده شد و چهره مدینه دگرگون گشت.^۱

ابعاد اعجاز قرآن

اندیشمندان به خوبی دریافته‌اند که قرآن از ابعاد مختلف و متعدد معجزه است^۲ و با گذشت زمان،

۱- بحار الانوار، ج ۱۹، ص ۸ تا ۱۰.

۲- المیزان، ج ۱، ص ۶۲.

۳- این بُعد از اعجاز قرآن را اکثریت قاطع دانشمندان شیعه و نیز بسیاری از ادب‌شناسان اهل سنت پذیرفته‌اند.

معری،^۱ خود را دلیل ساخته‌اند. بنابراین قرآن یک معجزه ادبی است که از انواع عیوب لفظی نظیر تنافر حروف، مخالفت با قیاس، ضعف تألیف، تعقید و غیره، و عیوب معنایی و نظائر آن پیراسته است و هیچ نوع حروف و کلمات سنگین، نامأنوس، بدآهنگ، ناموزون و نیز تعبیرات سبک، رکیک، نفرت‌انگیز و گوش‌خراش و ناهماهنگ و پیچیده و گنگ و مبهم در آن به کار برده نشده است. و کلام آن متناسب با مقتضای حال و هماهنگ با اهداف مورد نظر و به تمثیل، استعاره و انواع سجع (سجع متوازن، متوازی و مطرف) و سایر زیبایی‌های ادبی آراسته شده است. به عبارتی دیگر، هم از نظر جنبه‌های صوری و ظاهری کلام کامل و فصیح است و هم از جنبه‌های معنوی و محتوایی رسا و بلیغ می‌باشد و این جامعیت متکی بر دانش حقیقی - که با واقع مطابق است - می‌باشد. (تطابق لفظ و معنا و مطابقت معنای معقول با حقایق خارجی و عینی)

معری،^۱ خود را دلیل ساخته‌اند. بنابراین قرآن یک معجزه ادبی است که از انواع عیوب لفظی نظیر تنافر حروف، مخالفت با قیاس، ضعف تألیف، تعقید و غیره، و عیوب معنایی و نظائر آن پیراسته است و هیچ نوع حروف و کلمات سنگین، نامأنوس، بدآهنگ، ناموزون و نیز تعبیرات سبک، رکیک، نفرت‌انگیز و گوش‌خراش و ناهماهنگ و پیچیده و گنگ و مبهم در آن به کار برده نشده است. و کلام آن متناسب با مقتضای حال و هماهنگ با اهداف مورد نظر و به تمثیل، استعاره و انواع سجع (سجع متوازن، متوازی و مطرف) و سایر زیبایی‌های ادبی آراسته شده است. به عبارتی دیگر، هم از نظر جنبه‌های صوری و ظاهری کلام کامل و فصیح است و هم از جنبه‌های معنوی و محتوایی رسا و بلیغ می‌باشد و این جامعیت متکی بر دانش حقیقی - که با واقع مطابق است - می‌باشد. (تطابق لفظ و معنا و مطابقت معنای معقول با حقایق خارجی و عینی)

تعبیر مشرکان عرب - که از نظر

نمی از یم یا مشتی از خروار

قرآن کریم در مواردی با رعایت اختصار و پرهیز از هرگونه تطویل، در عین بیان تمام مقصود، یک داستان بزرگ را در یک آیه - که هر جمله از آن گویای فراز و سبعی از آن داستان است - جای می‌دهد. در ماجرای طوفان نوح علیه السلام می‌فرماید: «وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَبَا سَمَاءِ أَقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدَ اللَّقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ «و گفته شد: ای زمین! آب‌هایت را فرو بر و ای آسمان! خود داری کن. آب فرونشست و کار پایان یافت و کشتی در دامنه کوه جودی پهلو گرفت [و مشرکان نابود شدند] و گفته شد: دور باد قوم ستمگر.»

۱- دانش نامه قرآن، خرم شاهی، ج ۱، ص ۲۵۷.

آری همین آیه «ابن مقفع» ادیب نامی عرب رابه زانو درآورد که طبق وعده با دوستانش می خواست به معارضه یک چهارم قرآن برخیزد، وقتی به این آیه رسید، خود را کاملاً عاجز دید، زیرا این آیه با تمام فصاحت و بلاغت، جریان طوفان نوح علیه السلام و جزئیات و سرانجام آن را با تعبیرات کوتاه و رسا و بسیار پر معنی شرح می دهد و بسه گفته بعضی از پژوهشگران، ۲۳ نکته از صنایع ادبی در آن جمع است. (استعاره، طباق، مجاز، حذف، اشاره، موازنه، جناس، تسهیم یا ارسال، تقسیم، تمثیل، ارداف و...) ^۱

نمونه دیگر، صراحت لهجه و بدون پیرایه حق را ادا کردن و در عین حال به دور از هرگونه آمیختگی با خشونت بودن، از ویژگی های قرآنی است.

گوهر مبارزه اسلام در راستای نفی شرک و اثبات توحید بود و قرآن بیشترین قاطعیت را در این زمینه به کار برده است.

زمانی می گوید: «إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ

مِنْ دُونِ اللَّهِ لَنْ يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِنْ يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ»؛ ^۲ «کسانی را که غیر از خدا می خوانید هرگز نمی توانند مگسی بیافرینند هرچند همگی بر این کار اجتماع کنند و اگر مگسی چیزی از آن ها برآید، نمی توانند آن را باز پس گیرند. هم طلب کنندگان ناتوانند و هم طلب شدگان.»

و هنگامی که بت پرستان برای فرار از منطق قاطع قرآن، خود را زیر چتر پدران و نیاکان می کشیدند و می گفتند: «بَلْ نَتَّبِعُ مَا آَلَفْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا»؛ «ما از آنچه پدران و نیاکان خود را بر آن یافتیم پیروی می کنیم»، با قاطعیت تمام می فرماید: «وَأَلْوَكُنَّ آبَاءَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ»؛ «آیا اگر پدران [و نیاکان] آن ها چیزی نمی دانستند و گمراه بودند، [باید از آنان تقلید کنند؟]»

مثال های قرآنی یکی از بهترین شیوه های بیان حقایق است. برای

۱- پیام قرآن، ج ۸، ص ۱۳۲. لازم به ذکر است ما در این قسمت، از این مجموعه نفیس بهره فراوان بردیم.

۲- حج/۷۳.

ترسیم منظره دقیقی از حق و باطل می فرماید: ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ﴾^۱

«خداوند آبی از آسمان فرو فرستاد و از هر درّه و رودخانه‌ای به اندازه آن‌ها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل [بر روی خود] کفی حمل کرد و از آنچه در (کوره‌ها) برای به دست آوردن زینت الات یا وسایل زندگی، آتش بر آن می‌افروزند نیز کف‌هایی مانند آن به وجود می‌آید. این‌گونه خداوند حق و باطل را [مثال] می‌زند. ولی کف‌ها به بیرون پرتاب می‌شوند و به زودی از بین می‌روند، اما آنچه به مردم سود می‌رساند (آب یا فلز خالص) در زمین می‌ماند.»

در این مثال پرمعنی - که با الفاظ و عبارات موزونی ادا شده - منظره حق و باطل به بهترین صورتی در آن ترسیم گردیده و حقایق مهمی در آن نهفته است که به برخی از آن‌ها می‌پردازیم.

۱- شناخت حق و باطل از یکدیگر گاهی آن قدر پیچیده می‌شود که حتماً باید سراغ نشانه‌ها رفت.

۲- حق همیشه مفید و سودمند است، همچون آب زلال که مایه حیات و زندگی است و یا فلزات خالص که یا زینت است یا ابزار حیات.

۳- حق، همیشه متکی به خویش است، اما باطل از آبروی حق کمک می‌گیرد و سعی می‌کند خود را به لباس او درآورد و از حیثیت او استفاده کند؛ همان‌گونه که هر دروغ از راست فروغ می‌گیرد، که اگر سخن راستی در جهان نبود کسی دروغی را باور نمی‌کرد و اگر حقی وجود نداشت، باطل را جولانی نبود.

۴- بهره هر موجودی همیشه به اندازه ظرفیت اوست، همان‌گونه که هر دره‌ای به اندازه گنجایش خود از آب باران بهره می‌گیرد.

۵- باطل همیشه دنبال بازار آشفته می‌گردد، همان‌گونه که سیلاب به هنگام سرازیر شدن از کوه - که دارای

۱- همانگونه که در آغاز گفتیم، اعجاز قرآن منحصر به فصاحت و بلاغت نمی‌شود. در این راستا خواجه نصیرالدین طوسی در شرح تجرید الاعتقاد و پس از برشمردن نظریه‌های مهم در باب اعجاز قرآن، با تعبیر «الْكَوْثُ مُحْتَمَلٌ» درستی همه آن‌ها را ممکن می‌شمارد. ملا عبدالرزاق لاهیجی در کتاب «سرمایه ایمان»، پس از ذکر چند نظریه می‌گوید: «وَالْكَوْثُ مُحْتَمَلٌ وَالْأَظْهَرُ هُوَ الْأَوَّلُ» یعنی ابعاد دیگر هم محتمل است، اما اعجاز قرآن از نظر فصاحت و بلاغت از همه ابعاد دیگر روشن‌تر است.

۲- نکته دیگری که لازم است به آن توجه شود، شرط حداقلی تحدی است؛ یعنی آیا اعجاز قرآن محدود به اندازه کوتاهترین سوره قرآن مثل سوره کوثر که سه آیه است می‌باشد (که امامیه می‌گویند) یا یک و دو آیه و حتی واژه‌ها هم معجزه‌اند؟ (آنگونه که برخی قائلند).

از خود قرآن استفاده می‌شد که یک آیه یا دو آیه معجزه نیست. بلکه یک سوره - که هرچند کوچک اما

جوش و خروش است - کف‌ها را بر دوش خود حمل می‌کند اما هنگامی که به جلگه‌های صاف می‌رسد و جوش و خروش فرو می‌نشیند، کف‌ها نیز نابود می‌شود.

۶- باطل تنها در یک لباس ظاهر نمی‌شود و هر لحظه به لباس دیگری درمی‌آید؛ همان‌گونه که کف‌ها هم روی آب‌ها ظاهر می‌شوند و هم روی فلزات در کوره‌ها. بنابراین هرگز نباید فریب تنوع آن‌ها را خورد، دیده‌ای حق‌شناس لازم است که حق را از باطل تشخیص دهد.

۷- مبارزه حق و باطل همیشگی است. همان‌گونه که ریزش باران‌ها از آسمان و ذوب فلزات در کوره‌ها همیشه هست.

۸- باطل بالانشین است و چشم پرکن و تو خالی، اما حق متواضع است و خاموش و هنرنا.

و نیز نکات دیگری که با تعمق در این مثال در جنبه‌های مختلف آیه بدست می‌آید.

در پایان تذکر چند نکته ضروری به نظر می‌رسد:

فرو ماندند.»

همچنین سخن علامه طباطبایی رحمته الله علیه در ذیل آیه ۲۳ سوره بقره که می فرماید: «این آیه و نظائر آن دلالت بر اعجاز کوچکتین سوره از قرآن نظیر سوره «کوثر» و سوره «والعصر» می نماید»،^۵ مؤید مطلب فوق است.

۳- نکته سوم در باب اعجاز قرآن، مدت زمان تحدی است که آیا این تحدی تا روز قیامت است یا مخصوص زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می باشد؟ غالب کسانی که به نظریه «صرفه» یعنی جلوگیری و منع و صرف الهی از آوردن مثل قرآن - نه اعجاز ذاتی قرآن - اعتقاد دارند، تحدی را مخصوص زمان پیامبر - نه پیشتر از او و نه پس تر از او - دانسته اند. از معاصران نیز کسانی این نظریه را پذیرفته اند.^۶ در مقابل، غالب دانشمندان مسلمان معتقدند این تحدی برای همه زمان ها است. ادامه دارد...

مجموعه ای نظام مند، دارای هدفی خاص و پیامی ویژه است - معجزه می باشد؛ زیرا وقتی قرآن مبارز می طلبد، مخالفان را به آوردن مثل این قرآن،^۱ ده سوره،^۲ یک سوره،^۳ کتابی از نزد خدا^۴ فرامی خواند.

آیت الله خوئی رحمته الله علیه در مقدمه تفسیر «البیان» می نویسد: «قرآن در بلاغت و اسلوب معجزه است نه هر کلمه ای از کلمه های آن... ناتوانی بشر در پدید آوردن سوره ای همانند قرآن با توانایی وی در پدید آوردن آیه ای همانند آن یا آنچه در حد یک آیه است منافات ندارد و امری ممکن است. از میان مسلمانان هیچ کس مدعی محال بودن این امر نشده است. در قرآن هم تحدی به آوردن آیه ای همانند قرآن نکرده است.»

آنچه شیخ طوسی در «تمهید الاصول» ذکر کرده است نیز تلویحاً مؤید همین مطلب است. شیخ می گوید: «کوتهترین سوره قرآن مشتمل بر سه آیه است. خداوند از مخالفان خواست تا یک سوره همانند قرآن بیاورند، آنان در این کار

۱- اسراء/ ۸۸.

۲- هود/ ۱۳.

۳- بقره/ ۲۳ و ۲۴ و یونس/ ۳۸.

۴- قصص/ ۴۹ و ۵۰.

۵- المیزان، ج ۱، ص ۶۰.

۶- الاعجاز البیانی، بنت الشاطی، ص ۶۵.